

ذینفع در دعاوی ناشی از اختراع از نگاه قانون و رویه قضایی^۱

^۲ محمود صادقی

^۳ مهدی جوهری

(تاریخ دریافت: 1391/05/07 - تاریخ تصویب: 1391/08/29)

چکیده

تشخص «ذینفع» در دعاوی ناشی از اختراع (Action patent) موضوعی است که کوشش شده است در این مقاله به اختصار تبیین شود. دستیابی به این هدف، مستلزم ارائه مفهوم لغوی واژه ذی نفع و نیز تفاوت آن با کلمات مشابه است و در این راستا قواعد کلی و مقررات ناظر بر حقوق مالکیت صنعتی و همچنین رویه قضایی مد نظر قرار گرفته است. که نتیجه گرفته می‌شود به طور کلی ذی نفع به شخص یا اشخاصی گفته می‌شود که در هر دعوای حقوقی از جمله دعاوی ناشی از اختراع در صورت محکومیت خوانده از نتیجه دعوا به نحو شخصی، مستقیم و قانونی بهره مند و منتفع می‌شوند.

واژگان کلیدی: ذینفع، دعوا، دادرسی، اختراع.

۱- دلیل عدم استفاده از عنوان دعوای نقض حق اختراع این بوده است که دعوای نقض حقوق اختراع صرفاً از سوی مالک گواهینامه حق اختراع یا قائم مقام قانونی و یا بهره برداران اقامه می‌شود، لذا شامل دعوایی که از ناحیه غیر مالک اقامه می‌شود نمی‌گردد. بنابراین از عنوان دعوای ناشی از اختراع استفاده شده که معنای عامی داشته و شامل کلیه کسانی می‌شود که به نحوی از انجاء، دعوایی راجع به اختراع خاصی دارند.

Email: sadegh_m@modares.ac.ir

۲- نویسنده مسئول - دانشیار گروه حقوق خصوصی دانشگاه تربیت مدرس.

۳- دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه تربیت مدرس.

مقدمه

اصل لزوم درخواست ذینفع در دعاوی، یکی از اصول بنیادین دادرسی اسلامی است (فرحزادی، 1379، ص 4). در حقوق خارجی شناسایی طرفین دعوا یکی از اساسی‌ترین موضوعات به شمار می‌رود (Corrincare, 2004, p. 18). از این رو یکی از شرایط اساسی اقامه دعوا ذینفعی خواهان است، در این خصوص ماده 2 قانون آین دادرسی مدنی مصوب سال 1379 ایران مقرر می‌دارد «هیچ دادگاهی نمی‌تواند به دعوایی رسیدگی کند، مگر اینکه شخصی یا اشخاص ذینفع یا وکیل یا قائم مقام یا نماینده آنان، رسیدگی به دعوا را برابر قانون درخواست کرده باشد» بنابراین دادگاه در صورتی مکلف به رسیدگی است، که نه تنها شخص یا اشخاصی دعوا را طبق قانون، طرح کرده باشد بلکه، علاوه بر آن باید ذینفع در دعوا نیز باشد و در غیر این صورت دعوایشان قابلیت استماع را ندارد و دادگاه با استناد به ماده مذکور قرار عدم استماع دعوا را صادر و اعلام می‌نماید (به اعتقاد ما هرچند از حیث آثار بین قرار رد دعوا و قرار عدم استماع دعوا تفاوتی مشاهده نمی‌شود لیکن تصمیمی که دادگاه به لحاظ ایراد خوانده به ذینفعی خواهان صادر می‌نماید قرار رد دعوا است (بنده 1 ماده 84 و ماده 89 ق.آ.د.م) و تصمیمی که رأساً در این باره اتخاذ می‌نماید قرار عدم استماع دعوا می‌باشد (ماده 2 ق.آ.د.م).

در این رابطه گفته شده، مسموع نبودن دعوا به لحاظ فقدان ذینفعی خواهان به نظر، بر گرفته از حقوق فرانسه است، که فقدان نفع و ایراد مربوط به آن از موجبات عدم استماع دعوا تلقی شده است (شمس، 1378، ص 14). زیرا شعار قضایی میین این قاعده، در زبان فرانسه Pas d' interet' pas d' (action) (متین دفتری، 1388، ج 1/211). ظاهراً قانونگذار ایرانی به تصور بداحت موضوع، در قوانین، به طور صریح به بیان این امر نپرداخته است که ذینفع به چه شخص یا اشخاصی گفته می‌شود. این درحالی است که در برخی از مقررات خارجی مربوط به حقوق مالکیت فکری، مانند ماده 4 دستور العمل جامعه اروپا مربوط به ضمانت اجراء‌های حقوق مالکیت

فکری¹ از باب تمثیل اشخاصی را به عنوان ذینفع در دعوا معرفی شده اند از جمله دارندگان حقوق مالکیت فکری (The holders of intellectual property rights) بهره بردار یا صاحب امتیاز (licensees) سازمان های اداره کننده حقوق جمیع مالکیت فکری، و یا هیأتهای دفاع حرفه ای (professional defence bodies) که به نحو قانونی شکل گرفته اند و مطابق قوانین و مقررات موضوعه، تا حدی حق نمایندگی از جانب دارندگان حقوق مالکیت فکری را دارند. و گفته شده ممکن است آنان به عنوان خواهان عوا شناخته شوند (Seville,2009,p.409).

در هر صورت در دعاوی ناشی از اختراع - به جهت اینکه در ترتیبات قانونی سابق گواهینامه اختراع (Patent) به سهولت صادر می شد - امروزه یکی از دعاوی مهم و مبتلا به دادگاه ویژه رسیدگی به دعاوی حقوق مالکیت صنعتی محسوب می شود و برخلاف دعاوی راجع به سایر شاخه های حقوق مالکیت فکری که در آن اصولاً شناسایی ذینفع کار دشواری نیست، در دعاوی ناشی از اختراق نمی توان براین باور بود که شناسایی و تشخیص واژه ذینفع امری بدیهی و آسان است کما اینکه اختلاف نظر میان دادگاه های بدوى و تجدید نظر - که شرح آنها خواهد آمد - مؤید همین ادعاست.

مقاله حاضر در چهار مبحث تنظیم گردیده است. در مبحث اول مفهوم لغوی و حقوقی ذینفع و تفاوت آن با واژه های مشابه، در مبحث دوم مفهوم ذینفع به طور کلی در دعاوی حقوقی، مطالعه و در مبحث سوم مفهوم ذینفع در دعاوی ناشی از اختراق بررسی می شود و در مبحث چهارم، به نقل خلاصه ایی از نمونه های آرای صادره توسط دادگاه های رسیدگی کننده به دعاوی حقوق مالکیت صنعتی پرداخته می شود و پس از آن مورد نقد و بررسی قرار می گیرند.

1- DIRECTIVE 2004/48/EC of the european parliament and the council of 29 April 2004 on the Enforcement of Intellectual property Rights.

۱- مفهوم لغوی و حقوقی ذینفع و تفاوت آن با واژه‌های مشابه

ذینفع یعنی صاحب نفع و منفعت و از دو کلمه ذی و نفع تشکیل شده و هر دو کلمه عربی هستند. ذی یکی از اسماء سته بوده و به معنای صاحب و مالک است (سیاح، 1375، 1). نفع نیز به معنای سود و فایده آمده است (سیاح، 1375، ج 2/17.7). در این ارتباط کلماتی همچون «ذیحق»، «مستحق» و «منتفع» وجود دارند، ذیحق یعنی صاحب حق و مستحق متراffد آن می‌باشد (معین، 1387، ص 523). به نظر می‌رسد که ذیحق بودن رتبه بالاتری از ذینفع بودن باشد، یعنی نفعی است که ثابت شده است و از حیث منطقی رابطه بین آنها عموم خصوص من وجه است یعنی هر ذیحقی ذینفع است ولی هر ذینفعی الزاماً ذیحق نیست. از این رو، اینکه برخی نویسنده‌گان ذیحق را در معنای ذینفع بکاربرده اند قابل نقد است (حیبیا و شاکری، 1389، ص 107) و منتفع، یعنی سود برده شده (معین، همان، ص 1084) یا اینکه کسی از کاری یا چیزی نفع و فایده ببرد (عمید، 1374، ص 1163) بنابراین منتفع، شخصی است که از یک چیزی مثلاً از نتیجه دعوایی که اقامه شده است به شکلی بهره مند و منتفع شود. برای مثال فرزندان خواهان در صورت حاکم شدن پدرشان، در یک دعوا به طور غیر مستقیم از نتیجه آن بهره مند می‌گردند، چون اگر به طور مستقیم بهره مند شوند ذینفع هستند، نه منتفع، به همین دلیل بوده است که قانونگذار در ماده ۲ ق.آ.د.م از واژه ذینفع استفاده کرده است چون ذینفع به طور مستقیم و شخصی، از نتیجه دعوا بهره مند می‌شود، لیکن بهره مندی منتفع غیرمستقیم است، بنابراین قانونگذار اختیار اقامه دعوا را به منتفع نداده است. لذا نظر شعبه دوازدهم دادگاه تجدید نظر استان تهران که آنها را در یک دعوای ابطال گواهی نامه اختراع، یکی پنداشته است موقعیت قانونی و حقوقی ندارد.^۱

سؤالی که در این ارتباط مطرح می‌شود، این است که با توجه به اینکه قانونگذار در بیشتر مواد قانون آیین دادرسی مدنی از واژه خواهان استفاده کرده، آیا به مفهوم ذینفع

۱- دادنامه شماره 2212-11-127: «...برخلاف استدلال و کل تجدید نظر خواه امکان ابطال هر دو گواهینامه با توجه به استقلال موضوع دو دعوا از یکدیگر، ممکن می‌باشد و حکماً لازم نیست ثالثی در دعوا به عنوان ذینفع و منتفع از ابطال هر دو گواهی نامه ورود نماید...».

است یا خیر، در پاسخ می توان گفت خواهان در لغت یعنی خواهنه، خواستار، آرزومند، مشتاق و کسی که از دیگری چیزی طلب دارد و مدعی است (معین، همان، 469)؛ از منظر حقوقی به معنای مدعی آمده (جعفری لنگروdi، 1380، ص 257) و مدعی به کسی گفته می شود، که چیزی را از دادگاه به ضرر دیگری می خواهد (همان، ص 631). بنابراین، خواهان با ذینفع تفاوت دارد، با وجود این در بعضی از مواد ق.آ.د.م مواردی یافت می شود که قانونگذار خواهان را به معنای ذینفع به کاربرده است مانند مواد 1.7 و 1.8 ق.آ.د.م، و در بعضی مواد مذکور صرفاً به معنای شخصی که دادخواستی طرح کرده و هنوز ذینفعی او احراز نشده استعمال شده، مانند مواد 51، 57 و 66، 57 و 72 ق.آ.د.م، و گاه، از صرف واژه ذینفع استفاده نموده است مانند ماده 31 ق.آ.د.م بر این اساس، به عقیده ما، ذکر واژه خواهان بدون قرینه ای که آن را از معنای اصلی خود دور سازد یعنی شخصی که دعوا یا درخواستی را مطرح ساخته است ولی اگر همراه قرینه باشد، به معنای خواهانی است که ذینفع است. در نتیجه خواهان شخصی است که خواسته ای را مطرح ساخته (Kodiliniye, 2009, p.74).

2- مفهوم ذینفع به طور کلی در دعاوی حقوقی

همانگونه که صاحب نظران اذعان دارند، شناسایی و تشخیص ذینفع همیشه کار آسانی نیست (متین دفتری، 1388، ص 211؛ مدنی، 1382، ص 573). زیرا قانونگذار معیار و شاخصی برای شناسایی ذینفع بدست نداده است. همین امر باعث شده است تا نویسنده‌گان و استادان آینه دادرسی مدنی به زعم خویش معیار و شاخصه ای برای شناسایی و تشخیص ذینفع ارائه نمایند. برخی گفته اند: منفعت باید فعلیت داشته باشد و زمانی نفع فعلیت دارد که قبل از اقامه دعوا اضرار به وقوع پیوسته و زیان رسیده باشد (متین دفتری، ج 1/ 211).

با پذیرش این نظریه، رسیدگی به هر دعوا و در خواستی، مستلزم تصور و احراز ضرر به خواهان است لذا پذیرش اقدامات تأمینی و موقتی، مانند تأمین دلیل و دستور موقت

مواجه با مشکل است، چون بعضًا خواهان متحمل ضرری نشده است بلکه برای جلوگیری از ضرر،^۱ و تأمین و حفظ ادله برای تدارک دعوای احتمالی آینده صادر می‌شوند. این درحالی است که بر اساس نظر ما، ملاک و معیار تشخیص ذینفع بر مبنای دعوای اصلی است، یعنی فرض بر این است که اگر دعوای اصلی مطرح شود خواهان منتفع می‌شود یا خیر، لذا در مورد اقدامات تأمینی و موقتی با مشکل مواجه نمی‌شویم چون این تأسیسات مستقلًا برای تشخیص نفع لحاظ و در نظر گرفته نمی‌شوند بلکه با توجه به دعوای اصلی مطرح شده یا مطرح می‌شود، ذینفعی و عدم ذینفعی خواهان تشخیص داده می‌شود.

برخی دیگر گفته‌اند، ذینفع کسی است که در صورت صدور حکم علیه خوانده نفعی نصیب وی گردد (شمس، ۱۳۸۱، ص ۳۱۶). به اعتقاد ما، این نظریه دقیق‌تر است چون همانگونه که گفته شده، دادگاه نباید به وجود یا فقدان حق اصلی خواهان در دعوایی که مطرح می‌شود توجه نماید، چه در این صورت دو امر اساسی و متمایز، یعنی ذی نفع بودن خواهان و وجود حق اصلی (ذیحق بودن خواهان) خلط می‌گردد. در واقع، بررسی وجود یا عدم وجود حق اصلی در زمانی باید شروع گردد که دادگاه شرایط اقامه دعوا، از جمله ذینفعی خواهان را، احراز نموده باشد. بنابراین در بررسی شرط ذینفع بودن خواهان، باید به این نکته اکتفا گردد که آیا، در فرضی که حق اصلی (خواسته) مورد ادعا علیه خوانده اثبات گردد، سودی عاید خواهان خواهد گردید یا خیر. برای مثال در دعواهی راجع به اعلام بی اعتباری سند اختراع، در مقام بررسی شرط ذینفع بودن خواهان، دادگاه باید احراز نماید که در صورت صدور حکم بی اعتباری سند اختراق، امتیازی نصیب خواهان خواهد شد یا خیر، در نتیجه چنانچه ذینفع بودن خواهان، یا سایر شرایط اقامه دعوا، موجود نباشد حسب مورد، قرار رد یا عدم استماع دعوا صادر می‌شود. بنابراین پس از احراز ذینفعی خواهان، دادگاه در خصوص وجود حق اصلی (ذیحق بودن خواهان) شروع به رسیدگی می‌کند. در

۱- ماده ۶۰ قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علایم تجاری: «...دادگاه می‌تواند علاوه بر صدور دستور جلوگیری از نقض حقوق یا نقض قریب الوقوع حقوق،...»

صورت احراز ذیحقی خواهان، به نفع او، و در غیر این صورت، عليه او حکم صادر می شود. بنابراین ممکن است - و در عمل بسیار شایع است - دادگاهی که ذینفعی خواهان و سایر شرایط اقامه دعوا را احراز و اقدام به رسیدگی ماهوی نموده است، به علت فقدان حق اصلی (ذیحق بودن)، حکم به بطلان دعوای خواهان صادر نماید (همان، ص 317).

بر مبنای همین تفکیک بوده است، که قانونگذار برای طرح دعوا به جای واژه ذیحق بودن، از واژه ذینفع بودن استفاده نموده است، و به درستی در بعضی از مواد قانون آین مادرسی مدنی واژه ذیحق بودن را به کار برده است؛ برای مثال بند 3 ماده 62 ق.آ.د.م. مقرر می دارد: «در دعاوی راجع به منافع و حقوقی که باید در مواعظ معین استیفا و یا پرداخت شود، بهای خواسته عبارت است از حاصل جمع تمام اقساط و منافعی که خواهان خود را ذی حق در مطالبه آن می داند...» در اینجا همانگونه که قبلًا گفته شد ذیحق یعنی منفعت، تثیت شده هر چند از دید خواهان، و ماده 13.ق.آ.د.م و دیگر مواد مشابه نیز مبین همین تفکیک است.

مع الوصف منظور از ذینفع در قانون آین مادرسی مدنی این است که خواهان به طریقی از نتیجه دعوا در صورت محکومیت خوانده به طور شخصی، مستقیم و قانونی منتفع و بهره مند شود. رأی شماره 234 مورخ 13/01/75 یکی از شب دیوان عالی کشور^۱ بر اساس معیاری صادر شده است که مفید همین معناست. و همانطوری که ذکر شد، ذینفع متمایز از واژه ذیحق است. بدین تعبیر، شخصی که اقامه دعوا می کند ابتدا معلوم نیست که ذیحق و مستحق باشد چون بعد از طی فرایند رسیدگی مشخص خواهد شد ذیحق است یا خیر، ولی ذینفع بودن در دعوا یعنی اینکه قاضی به بررسی این امر می پردازد که آیا این دعوا بر فرض ثبوت برای خواهان به طور مستقیم نفع و فایده قانونی دارد یا خیر، اگر داشته باشد ذینفع تلقی می شود و اگر بررسی نماید که در فرض عدم اقامه دعوا می شود پذیرش دعوا

۱- «علی الأصول دعوا باید به طرفیت شخصی مطرح گردد که مستقیماً از آثار دعوا منتفع یا متضرر شود و...»

ضرری متوجه خواهان نیست، او را ذینفع تشخیص نداده و در نتیجه دعوای او استماع نمی‌شود.

3- مفهوم ذینفع در دعوای ناشی از اختراع

برخلاف سایر دعاوی شاخه‌های حقوق مالکیت فکری (Intellectual property Rights) که علی الأصول تشخیص ذینفع برای قاضی از دشواری خاصی برخوردار نبوده و موارد ابهام یا اجمال را هم آین نامه اجرایی تا حدود زیادی مرتفع نموده است (بنده ماده ۱ آین نامه موضوع ماده ۱۶ قانون حمایت از نشانه‌های جغرافیایی مصوب سال ۸۳)، در دعوای ناشی از اختراع تشخیص ذینفع، نیاز به دقت و درک صحیح از قوانین و مقررات دارد. در این رابطه، اظهار عقیده شده است، با توجه به ماده ۱۸ قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علایم تجاری مصوب ۱۳۸۶ درخواست ابطال ورقه اختراع برای ذینفع پیش‌بینی شده است، اما این قانون ملاکی را برای تشخیص ذینفع ارائه نداده است (میرحسینی، ۱۳۸۷، ص ۳۰۸). قانونگذار در ماده مذکور و ماده ۶۱ آین نامه اجرایی آن مصوب سال ۸۷^۱ صرفاً مقرر داشته است که ذینفع حق طرح دعوای ابطال گواهینامه اختراع را دارد؛ در نتیجه تعریفی از ذینفع به دست نداده است و یا حداقل تصریح نکرده که چه شخص یا اشخاصی حق دارند طرح دعوا نمایند؛ به علاوه در موافقت نامه مربوط به جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری که به اختصار تریپس (Trade Related aspects of Intellectual property Rights(TRIPs)) خوانده می‌شود - و ظاهراً قانون یاد شده از آن الگو برداری نموده - هم اشاره به این موضوع نشده است و همین امر، اختلاف نظر بین دادگاه‌های بدوى و تجدیدنظر را رقم زده است.

به نظر ما، همان اصل کلی، قابل اعمال در دیگر دعاوی، یعنی بهره‌مندی مستقیم، شخصی و قانونی ذینفع، از نتیجه دعواه اقامه شده، در دعاوی مربوط به اختراع هم حاکم

۱- ماده ۶۱ آین نامه اجرایی همان قانون مصوب سال ۸۷: «در صورت درخواست ابطال گواهی نامه اختراع، ذی نفع می‌تواند با اثبات یکی از موارد مذکور در ماده ۱۸ قانون دادخواست خود را تسليم دادگاه صالح مقرر در ماده ۵۹ قانون نماید.

است. زیرا هر جا قوانین خاص، بیانگر ترتیبات شکلی در خصوص موضوعی ساکت باشند، عمومات و قواعد کلی آینه دادرسی مدنی حاکم خواهد بود.

بعضی از نویسنده‌گان (همان، ص 326) معتقدند با توجه به مجموعه قوانین و مقررات حقوق مالکیت صنعتی ایران، صاحب ورقه اختراع یا قائم مقام قانونی وی حق طرح دعوا در موارد نقض را دارد لکن با توجه به عمومات قانونی به ویژه آینه دادرسی مدنی این امر مانع از آن نیست که اشخاص ذینفع هم قادر باشند مبادرت به طرح دعوای نقض اختراع نمایند، به خصوص اینکه این حق، در قراردادهای تنظیمی بین صاحب ورقه اختراع و دارنده مجوز بهره برداری مورد تصریح نیز قرار گرفته باشد. نیز در تعریف ذینفع آورده اند، اینکه متقاضی ابطال ورقه اختراع در دعوای مطروحه ذینفع است یا خیر، موضوعی است که تشخیص آن به عهده مرجع قضایی است و در نهایت تعریفی به دست داده اند و اظهار عقیده شده: «در مفهوم کلی شخص ذینفع را می‌توان کسی قلمداد کرد که از بهره برداری اختراعی، که برخلاف قانون ثبت و برای آن ورقه اختراع صادر گردیده است، منع شده باشد» (همان، ص 306). با مذاقه در مواد قانونی و روح قوانین و مقررات مربوطه همین نتیجه و استنباط بدست خواهد آمد، چون سیاست تقنیکی به این امر تعلق گرفته است که اولاً: از مالک گواهینامه اختراع حمایت شود، ثانیاً: حمایت محدود به این است که گواهینامه برابر قانون صادر شده باشد، ثالثاً: جهت تسهیل امور تجاری در فضای سالم و رقابت مشروع تمهیداتی اندیشیده شده است، چنانچه شخصی در دادگاه ثابت نماید که صدور گواهینامه مطابق قانون نبوده یعنی دارای شرایط لازم مصرح در قانون نیست، می‌تواند عنوان ذینفع به دادگاه مراجعه و ابطال آن گواهینامه را درخواست نماید؛ برای مثال اگر شخصی برابر مقررات اثبات نماید که او مخترع واقعی بوده و شخص دیگری من غیرحق گواهینامه اختراع دریافت کرده است، دعوایش قابلیت استماع را دارد. نویسنده یاد شده از مالک (صاحب ورقه اختراع) و ذینفع به عنوان اشخاصی که حق طرح دعوا دارند نام بردۀ است و به عبارتی، مالک را در عرض ذینفع قرار داده در حالی که ذینفع برابر قواعد و مقررات

آین دادرسی مدنی مفهوم عامی بوده که مالک را هم در بر می‌گیرد. بنابراین اینکه قانونگذار در قوانین و مقررات آین دادرسی مدنی صرفاً ذینفع را برای طرح دعوا معرفی، و صالح دانسته به این معنا نیست که مالک حق طرح دعوا ندارد، بلکه هر مالکی ذینفع محسوب می‌شود؛ در واقع ذینفع گاه مالک است و گاه مالک نیست.

بر این اساس ذکر واژه ذینفع کافی و احالة تشخیص ذینفع به مراجع قضایی، نیز قابل ایراد است؛ چون اولاً ما در مقام ارائه معیاری به قضات برای تشخیص ذینفع هستیم والا اگر قضی می‌توانست به راحتی و درستی ذینفع را تشخیص دهد دیگر بحثی در میان نبود. ثانیاً باید تلاش و کوششمن بر این امر استوار باشد که برای شناسایی و تشخیص موضوعات و عنوانین حقوقی شاخصه و معیار ارائه کنیم تا حتی الامکان از اختلاف نظر مراجع قضایی جلوگیری شود، مبنای صدور آراء وحدت رویه، نظریات مشورتی قوه قضاییه و اصل قابلیت پیش‌بینی آراء دادگاه‌ها^۱ مؤید همین نظر است. به هر حال، با بررسی و دقت نظر در مواد ناظر بر حقوق اختراعات از جمله بند (ب) ماده ۱۵، بند (ب) ماده ۱۷ و ماده ۱۸ همان قانون^۲ و مواد ۴۰، ۴۴، ۵۹، ۶۰ و ۶۱ آین نامه اجرایی^۳ آن، مشاهده می‌شود که قانونگذار واژگان «مالک»، «ذینفع» و «هر شخصی» را به درستی در جایگاه و موقعیت قانونی خود استعمال نموده است. یعنی در بند (ب) ماده ۱۵ همان قانون که از واژه «مالک» استفاده کرده در صدد بیان آثار حقوقی ناشی از گواهینامه اختراع بوده است که در این فرض ذینفع معنا ندارد، بلکه به دلیل مالکیت دارنده گواهینامه، قانونگذار در آنجا مقرر داشته است «مالک می‌تواند با رعایت بند (ج) این ماده و ماده ۱۷ علیه هر شخصی که بدون

۱- این اصل به عنوان یکی از شاخصه‌های قاعده انصاف در نظام حقوقی کامن لو مورد توجه واقع شده است و منظور این است که منابع استنادی آنقدر برای قاضی روشن باشد که اصحاب دعوا نتیجه دعوا را پیش‌بینی کنند نه اینکه به جهت روش نبودن منابع استنادی نتیجه دادرسی از یک قاضی به قاضی دیگری متفاوت باشد (Brown, 1989, p.11).

۲- از این پس منظور از همان قانون یعنی قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مصوب سال ۸۶.

۳- از این پس منظور از آین نامه اجرایی آن یا همان، یعنی آین نامه اجرایی قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مصوب سال ۸۷.

اجازه او بهره برداری های مندرج در بند (الف) را انجام دهد و به حق مخترع تعدی کند و یا عملی انجام دهد که ممکن است منجر به تعدی به حق او شود، به دادگاه شکایت کند» در بند (ب) ماده 17 همان قانون آمده است، «...در صورتی که مالک اختراع یا هر شخص ذینفع دیگر توضیحی داشته باشد...» اینجا هم بحث بهره برداری اجباری از اختراع بوده است که چنانچه در آن رابطه مالک یا ذینفع توضیحی داشته باشد می تواند به کمیسیون مربوطه ارائه نماید. قانونگذار در ماده 18 همان قانون از واژه «ذینفع» به تنهایی استفاده نموده است چون بحث راجع به موارد ابطال گواهینامه صادره است، معدالتک به دادگاه اجازه داده شده است، که اگر یکی از شرایط مندرج در مواد (1)، (2)، (4)، و صدر ماده (6) همان قانون و بند (ج) آن رعایت نشده باشد، حکم به ابطال گواهینامه اختراع صادر نماید، بنابراین، فرض ناظر به موردی است که گواهینامه ای علی الظاهر وجود دارد ولی مدعی (ذینفع) ادعا می کند در صدور این گواهینامه، شرایط قانونی رعایت نشده است. سابقاً قانونگذار همین ترتیبات را در ماده 37 قانون ثبت علامت و اختراعات مصوب سال 1310 پیش بینی نموده بود. بنابراین به موجب ماده یاد شده خوانده دعوا، مالک ظاهري (یعنی شخصی که من غیر حق گواهینامه اختراع به نام خود کسب کرده است) اختراع است، به علاوه اینکه می توان در تفاوت آثار مالک بودن و ذینفع بودن به ماده 61 همان قانون^۱ اشاره نمود؛ چه مطابق این ماده قانونگذار اختیار ویژه و خاصی به مالک اختراع داده است. بنابراین ملاحظه می گردد که این مقرر خلاف قواعد کلی قانون آینین دادرسی مدنی است چون قاعده این است «البینه على المدعى و اليمين على من انکر» (برای مطالعه بیشتر ر.ک به:

۱- ماده 61 همان قانون مقرر می دارد: «در دعواهی مدنی راجع به نقض حقوق مالک اختراق در مواقعی که اختراق، فرآیند دستیابی به یک فرآورده باشد، در صورت وجود شرایط زیر، مسؤولیت اثبات این که فرآورده از طریق آن فرآیند ساخته نشده است، به عهده خوانده دعوا نقض حق خواهد بود، در این صورت دادگاه در صورت ارائه استاد و مدارک، منافع مشروع خوانده دعوا نقض حق را از جهت عدم افشاء اسرار تولیدی و تجاری وی در نظر خواهد گرفت: ۱- فرآورده جدید باشد. ۲- احتمال قوی وجود داشته باشد که فرآورده با استفاده از فرآیند مزبور ساخته شده و مالک حقوق ثبت شده علی رغم تلاش های معقول توانسته است فرآیندی را که واقعاً استفاده شده، تعیین نماید».

محقق داماد، 1383، ص 51)، یعنی بار اثبات دعوی به دوش خواهان است، اما قانونگذار به منظور حمایت از حقوق مالک اختراع در فرض مذکور مقرر داشته اثبات اینکه فرآورده از طریق آن فرایند ساخته نشده به عهده خوانده است. مع الوصف همین بس، که مالک اختراع با جمع شرایط مصّرح در ماده مذکور به عنوان خواهان در دادگاه ادعا نماید که خوانده، از طریق فرمول و روش اختراع وی به این فرآورده دست یافته است، برای اثبات ادعای وی کافی است. مگر اینکه خوانده خلاف آن را اثبات نماید، در واقع انقلاب عنوان رخ می دهد «خواهان» به «خوانده» و «خوانده» به «خواهان» تغییر عنوان می دهنده، اینهم شاهد مثالی بود، برای اثبات تفاوت بین ذی نفع و مالک چون ذینفع از این امتیاز قانونی برخوردار نمی باشد. ناگفته پیداست، که هر مالک ذینفع است ولی هر ذینفع مالک نمی باشد.

مواد 40 و 44 آین نامه اجرایی، مربوط به مواد 15 و 16، و ماده 61 آین نامه اجرایی مربوط به ماده 18 همان قانون است و نیاز به توضیح خاصی ندارند؛ لکن مواد 59 و 60 فرضی را مطرح می کنند که هنوز گواهینامه اختراع صادر نشده بلکه در مرحله تقاضای ثبت اختراع و صدور گواهینامه اختراع است. بنابراین با مواد 6 الی 15 همان قانون مرتبط اند. قانونگذار در ماده 59 کلمه «هر شخصی» را به کار برده که اعم است از شخص حقیقی و حقوقی؛ چون در این موقعیت هنوز گواهینامه ای صادر نشده است، تا مالک اختراعی بوجود آید و مشخص شود. و از دیگر سو، اختراعی که هنوز ثبت نشده و گواهینامه برای مالک آن صادر نشده باشد موجب تضییع حقوق احتمالی هیچ شخصی نمی گردد تا وی به عنوان ذینفع اعتراض و ادعایی داشته باشد، لذا از واژه های مالک و ذینفع استفاده نشده است؛ ظاهرآ استفاده از واژه عام هر شخص، به این دلیل بوده که چون قانونگذار به منظور احراز شرایط قانونی صدور گواهینامه اختراع در ماده 13 همان قانون، سیستم ماهوی

(substantive Examine) را پذیرفته است^۱ و مقرر شده است «...اداره مالکیت صنعتی اظهارنامه را از نظر انطباق با شرایط مندرج در این قانون و آیین نامه آن، بررسی خواهد کرد...» بنابراین، دست مرجع صدور گواهینامه اختراع را، برای هر گونه تحقیق و بررسی، راجع به احراز شرایط قانونی بازگذاشته است؛ طبیعی است هر شخص هر چند ذینفع نباشد، می‌تواند اطلاعاتی راجع به تقاضای ثبت اختراعی داشته و به مرجع ثبت اعلام نماید.

۴- مفهوم ذینفع در رویه قضایی

رویه قضایی، که از آن به عنوان حقوق زنده یاد می‌شود. یکی از منابع حقوق به شمار می‌رود و می‌تواند سهم بسزایی، در غنای تنظیم و تدوین لوایح و طرح‌ها داشته باشد. این منبع که تشکیل شده از آراء دادگاه‌هاست، در موارد نقص، سکوت، اجمال و تناقض قانون نقش مهمی را بازی می‌کند (کاتوزیان، ۱۳۸۸، ص ۱۹۶). پیش‌تر گفته شد در دعاوی حق اختراع، قانونگذار صرفاً در ماده ۱۸ همان قانون، مقرر نموده در مواردی، ذینفع حق ابطال گواهینامه اختراع را دارد بدون اینکه سنجه و معیاری برای تشخیص این مهم، ارائه کند. این امر سبب تشتت آراء و اختلاف نظر دادگاه‌های بدوى و تجدید نظر در خصوص دعواهای ابطال شده و نتیجتاً تضییع حقوق حقه اشخاص ذیحق را در پی خواهد داشت.

به باور ما، دادگاهها می‌توانند با استفاده از اصول کلی و هدف قانونگذار این نقیصه را بر طرف نمایند از اینروی، به لحاظ اهمیت موضوع و ضرورت انجام تحقیق و دادن شکل کاربردی به موضوع در ابتدا، خلاصه‌ای از آرای مرتبط، با ذکر شماره پرونده و دادنامه بیان، سپس در فراز دیگری به نقد و بررسی آنها خواهیم پرداخت.

۱- در مقابل این سیستم، سیستم شکلی قرار می‌گیرد، که مرجع ثبت، صرفاً توجه به رعایت الزامات اداری یا تشریفات مربوطه می‌نماید.

۱-۱- پرونده کلاسه (87000047) مطرحه در شعبه سوم دادگاه عمومی

(حقوقی) تهران و سپس، شعبه سوم دادگاه تجدیدنظر استان تهران^۱

(الف) به وکالت از خواهان‌ها، دادخواستی به طرفیت خواندگان با وکالت (ب) به خواسته منع خواندگان از تولید، واردات و فروش و پرداخت خسارت با جلب نظر کارشناس و دستور موقت جهت توقيف کالای مشابه تقدیم شعبه سوم دادگاه عمومی (حقوقی) تهران می‌نماید. متقابلاً خواندگان، دادخواستی مبنی بر ابطال گواهی نامه ثبت اختراع به شماره.... مورخ 86/2/18 (استنادی خواهان) مطرح می‌نمایند که دادگاه پس از طی تشریفات قانونی و ختم دادرسی این گونه استدلال و انشاء رأی می‌نماید: «به دلیل سبق تولید و استفاده از جا کارتی‌های هوشمند در کشورهای خارجی، به ویژه چین و عرضه آن در بازارهای داخلی قبل از تاریخ ثبت اختراع مذکور، و به لحاظ اینکه، خواندگان دعوای اصلی حسب ادعای خواهان اصلی و نیز اظهارات خویش، مبادرت به ورود کالاهای مشابه نموده اند و به همین اعتبار دعوای تقابل طرح نموده اند، بنابراین نتیجه دعوای ابطال ورقه اختراع، تغییری در وضعیت مالی ایشان ایجاد می‌نماید مع هذا ذینفع در طرح دعوای تقابل می‌باشند. مطابق ماده ۱۸ قانون ثبت اختراعات طرحهای صنعتی و علائم تجاری حق طرح دعوای را دارند، از طرفی ماده ۵۹ آئین نامه قانون مذکور مصوب ۸۷/۱۱/۱ به هر شخصی اجازه اعتراض به تقاضای ثبت اختراع داده است و اشاره ایی به واژه ذینفع ننموده، و لزوم تسلیم اظهارنامه برای ثبت اختراع هم زمان با دعوای اعتراض مقرر در ماده ۶۰ همان قانون، بنا به تصریح صدر ماده اولاً نسبت به معتبرضی است که ادعای مالکیت نسبت به اختراع را دارد ثانیاً: نسبت به اختراعی است که قانوناً قابل ثبت باشد (قسمت ذیل ماده) و در ما نحن فيه ادعای خواهان دعوای تقابل این است که برابر مواد ۱ و ۴ همان قانون جاکارتی هشدار دهنده موضوع اختراع خواهان اصلی اصولاً قابل

۱- لازم به یادآوری است، در سیستم اداری کنونی مراجع قضایی (sms)، هر پرونده از بد و تشکیل تا پایان، با یک شماره شناسایی می‌شود.

ثبت و حمایت نیست، و ادعای مالکیت آن را هم ندارد تا ملزم به تسلیم اظهارنامه ثبت اختراع شود. بنا به مراتب ایراد و کیل خواهان اصلی، مبنی بر ذینفع نبودن خواهان های دعوای تقابل غیر وارد و مردود اعلام می‌گردد و مستندآ به مواد ۱ و ۲ و بند (ه) ماده ۴ و ماده ۱۸ از قانون ثبت اختراعات طرحهای صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶ و مواد ۵۹ و ۶۰ آین نامه قانون مذکور مصوب ۱/۱۱/۸۷ و مواد ۱۹۸ و ۵۱۹ ق.آ.د.م حکم به ابطال ثبت اختراع خواهان اصلی به شماره..... در حق خواهان های دعوای تقابل و نیز حکم به رد و بطلان دعوای خواهان اصلی صادر و اعلام می‌شود." پس از ابلاغ رای، مورد اعتراض (الف) واقع می‌شود. ملخص لایحه اعتراضیه وی این بوده است: "دادگاه بدوى در تشخيص ذینفع اشتباه کرده، و آن را با واژه منتفع خلط نموده است، برای مثال، فرزندانی که همراه با پدرشان در منزلی سکونت دارند، از منزل متعلق به پدرشان منتفع می‌شوند و وقتی کسی سند آن را بنام خود جعل، و منزل را به تملک و تصرف خود در آورد، فقط پدر که ادعای مالکیت دارد می‌تواند علیه کسی که سند را بنام خود جعل نموده اقامه دعوا نماید و فقط وی ذینفع در طرح دعوای ابطال سند مذکور است و فرزندان حق طرح دعوا برعلیه کسی که سند منزل پدرشان را به نام خود جعل کرده است را ندارند، زیرا ذینفع در طرح چنین دعوایی نیستند گرچه، از نتیجه دعوای پدرشان علیه جاعل سند، و از ابطال سند جعلی منتفع می‌شوند. و به اعتقاد و کیل تجدید نظر خواه با توجه به بند ۶۱ آین نامه اجرایی، «ذینفع کسی است، که بتواند گواهینامه ثبت اختراعی که قبلًا به ثبت رسانده است را ارائه نماید» پس از ارسال پرونده به دادگاه تجدیدنظر، به استدلال اینکه: «به دلیل عدم ادعای مالکیت اختراع و عدم تسلیم اظهار نامه خواهان تقابل، ذینفع محسوب نمی‌شود و صرف تولید محصول در کشورهای دیگر موجب ذی سمت گردیدن نمی‌شود»، اعتراض (الف) را وارد تشخیص، و طی دادنامه شماره (۷۳۷)، رای به نقض دادنامه معتبر عنه در موضوع دعوای تقابل، و رد سایر موارد اعتراضی (اعتراض به رد دعوای اصلی) صادر نموده است.

۴-۲- پرونده کلاسه (8800104) مطروحه در شعبه سوم دادگاه عمومی (حقوقی) تهران و سپس در شعبه دهم دادگاه تجدیدنظر استان تهران

در این پرونده (الف) به وکالت از خواهان، دادخواستی به طرفیت خوانده مبنی بر ابطال گواهینامه شماره مورخ 84/2/10 موضوع اختراع دستگاه بدناسازی کش همراه، به دلیل جدید نبودن، تقدیم دادگاه می نماید، خواهان ادعا نموده که تولید کننده لوازم ورزشی است. و قریب به 15 سال است کش بدناسازی موضوع اختراق در ایران تولید می شود به دلیل جدید نبودن اختراق، با استناد به ماده 18 همان قانون، تقاضای ابطال گواهینامه اختراق را می نماید. در مقابل وکیل خوانده، بدون ورود در ماهیت دعوا به ذینفع بودن خواهان ایراد وارد کرده، و عنوان نموده است که چون خواهان ادعای مالکیت موضوع اختراق را ندارد و اظهار نامه نیز تقدیم نکرده است، ذینفع در طرح دعوای ابطال نمی باشد. النهایه دادگاه بدوى به استدلال اینکه: «با به مفهوم ماده 60 آین نامه همان قانون در صورتی که ادعای معارض جدید نبودن اختراق باشد اختراق قانوناً قابل ثبت نمی باشد و نیازی به تسلیم اظهار نامه برای ثبت آن نیست». خواهان را ذینفع تشخیص داده و طی دادنامه شماره (89000077) حکم به ابطال گواهینامه اختراق صادر نموده است.

نسبت به رای صادره درخواست تجدیدنظرخواهی می شود و شعبه دهم دادگاه تجدیدنظر استان تهران، با پذیرش درخواست تجدیدنظر خواهی به استدلال اینکه: «بر اساس ماده 18 همان قانون صرفاً اشخاص ذینفع می توانند تقاضای ابطال گواهی ثبت اختراق را از دادگاه بنمایند، و در پرونده مطروحه، تجدیدنظر خوانده به عنوان خواهان دعوا، ادعایی در مورد مالکیت وسیله موضوع اختراق را نداشته و اظهار نامه مربوطه را نیز تقدیم ننموده، لذا ذینفع تشخیص داده نمی شود». به موجب دادنامه شماره (89000088) رأی دادگاه بدوى را نقض، و با استناد به مواد 84 و 89 ق.آ.د.م قرار رد دعوا صادر و اعلام نموده اند.

3-4- بررسی و نقد آراء

از ملاحظه آراء بدوي و تجدید نظر و لايجه اعتراضيه نکات ذيل قابل توجه و ملاحظه است:

1- دادگاه بدوي در پرونده کلاسه (87000047) به استدلال اينکه سابقه اختراع و توليد محصول مورد ادعا، و اختراع خواهان اصلی، در خارج از کشور محرز است و کارشناس نيز تصديق نموده است و نظر به اينکه خواندگان دعواي اصلی، حسب ادعای خواهان و نيز اظهارات خويش مبادرت به ورود کالاي مشابه نموده اند و به همين اعتبار، خواهان تقابل طرح دعواي نموده، بنابراین نتيجه دعواي ابطال ورقه اختراع تغييري در وضعیت مالي ايشان ايجاد می نماید پس، ذینفع در طرح دعواي تقابل است، حکم به ابطال ثبت اختراع صادر نموده است. لذا مينا و ملاک رأى، در تشخيص ذینفع اين بوده است «چون نتيجه دعواي ابطال ورقه اختراع تغييري در وضعیت مالي ايشان ايجاد می نماید» اگر مقصود دادگاه اين بوده است که خواهان به طور شخصی و مستقیم از نتيجه دعواي منتفع و تغييري در وضعیت مالي ايشان ايجاد می نماید، اين تشخيص و اظهار نظر، صحيح و وفق موازين قانوني و حقوقی است به نظر می رسد که با التفات به مقدمات استدلال دادگاه، اين نظر و استنباط را متباذر به ذهن می نماید، که منظور دادگاه منتفع شدن خواهان به نحو شخصی و مستقیم است.

1- هرچند استدلال دادگاه بدوي، در پرونده های مذکور درست است ولی استناد آن دادگاه، به مواد 59 و 60 آين نامه اجرائي¹ به اعتقاد ما، صحيح نیست. چون همانگونه که

1- ماده 59 آين نامه اجرائي: «هر شخصی که نسبت به تقاضای ثبت اختراع اعتراض داشته باشد باید اعتراض خود را در دو نسخه به مرجع ثبت تسلیم نماید. پس از ثبت اعتراض نامه، نسخه دوم آن با قید تاریخ و شماره وصول به معتبر مسترد می گردد. اعتراض نامه باید همراه با دلایل و مدارک استنادی و رسید مربوط به پرداخت هزینه رسیدگی به اعتراض باشد. جنانچه پس از بررسی اعتراض نامه و مدارک استنادی، تکمیل مدارک منضم به اعتراض نامه ضرورت داشته باشد، مرجع ثبت با تعیین موارد، کتاباً از اعتراض می خواهد که ظرف 30 روز از تاریخ ابلاغ نسبت به رفع نواقص اقدام نماید. در غير این صورت، اعتراض نامه کان لم یکن تلقی خواهد شد...».

ماده 60 آين نامه اجرائي: «هرگاه اعتراض معتبر مبنی بر ادعای حق مالکیت نسبت به اختراعی باشد که اظهار نامه ثبت آن تسلیم مرجع ثبت شده است، در صورتی که اختراع قبلاً به نام او ثبت نشده است، باید همزمان با اعتراض، برای اختراع خود مطابق قانون و

بحث آن گذشت، مواد یاد شده فرضی را مطرح می کنند که هنوز گواهینامه اختراع صادر نشده است، و در مقام بیان این موضوع بوده اند که اگر شخصی نسبت به تقاضای ثبت اختراع اعتراضی داشته باشد چگونه بایستی اقدام نماید. به این توضیح چنانچه ادعای مالکیت ندارد، باید برابر ماده ۵۹ آین نامه اجرایی عمل نماید و اگر ضمن اعتراض ادعای مالکیت دارد ناگزیر بایستی وفق ماده ۶۰ آین نامه اجرایی عمل نماید. بنابراین مصداق این مواد فرضی است که هنوز گواهینامه‌ی اختراع صادر نشده است، پس موضوع مالکیت و ذینفع بودن معتبر، منتفی است. روشن است که در مورد دعوای ابطال گواهینامه اختراع - که طبق مقررات صادر شده است - به دلیل عدم رعایت مقررات و تشریفات صدور آن، نمی توان به آن مواد، استناد نمود. از این رو، این قسمت از دادنامه‌ها، مورد ایراد و خدشه است و موقعیت قانونی ندارد.

۲- ایراد (الف) به وکالت از تجدیدنظر خواهان‌ها در پرونده کلاسه (۸۷۰۰۰۰۴۷) مبنی بر اینکه دادگاه بدوى، بین واژه ذینفع و منتفع خلط کرده، صحیح نیست. مثالی که ایشان برای تبیین و تشخیص واژگان ذینفع و منتفع آورده اند درست است، ولی نتیجه ایی که گرفته اند غیر از چیزی است که دادگاه استنباط کرده است. در نقد این اظهارات باید گفت، ملاک و

این آین نامه تقاضای ثبت کرده و حق ثبت اظهارنامه و حق ثبت اختراع و تمام مخارج مربوط به آن را تأییه نماید. مرجع ثبت با رعایت ماده ۵۹ آین نامه موظف است ظرف ۱۰ روز از وصول اعتراض، نسخه‌ای از اعتراض نامه را به اضمام رونوشت مدارک و دلایل استنادی به متقاضی ثبت ابلاغ نماید. متقاضی مکلف است از تاریخ ابلاغ اعتراض نامه پاسخ مكتوب خود را ظرف ۲۰ روز نسبت به اعتراض وارده به مرجع ثبت تسلیم نماید. عدم پاسخ متقاضی به ابلاغ در مهلت مقرر به متزله تمکین وی خواهد بود. هر گاه متقاضی کتاباً به اعتراض تمکین نماید در خواست او برای ثبت اختراع مسترد شده تلقی می گردد و مراتب کتاباً به اعتراض ابلاغ می شود تا در صورتی که اختراع وی به ثبت نرسیده است، بر طبق اظهارنامه ای که همزمان با اعتراض تسلیم کرده است نسبت به ثبت آن اقدام کند. در صورت عدم تمکین متقاضی، مرجع ثبت مراتب را ظرف ۱۰ روز به اعتراض ابلاغ کرده و وی از این تاریخ ۲۰ روز مهلت دارد که اعتراض خود را از طریق مرجع ثبت تسلیم کمیسیون موضوع ماده ۱۷۰ آین نامه نماید. همین ترتیب در موردی نیز باید رعایت شود که اعتراض معتبر مبنی بر داشتن برخی حقوق، غیر از حق مالکیت، نسبت به اختراعی باشد که اظهارنامه ثبت آن تسلیم مرجع ثبت شده وی هنوز در ایران به ثبت نرسیده است؛ مگراینکه اختراع قانوناً قابل ثبت نباشد. در این فرض نیازی به تسلیم اظهارنامه ثبت اختراع به مرجع ثبت نخواهد بود. تضمیم کمیسیون طبق ماده ۱۷۲ آین نامه قابل اعتراض در دادگاه صالح مقرر در ماده ۵۹ قانون است...»

معيار در تشخيص ذينفع و منتفع، چگونگي بهره مندي از نتيجه دعواست. اگر خواهان به شكل شخصي و مستقيم از نتيجه دعوا منتفع و بهره مند شود، ذينفع است؛ به اين توضيح، در مثال ايشان «پدر» ذينفع است و «فرزنдан پدر» منتفع هستند؛ زيرا در دعواي مطروحه، «پدر» به نحو مستقيم و شخصي، از نتيجه دعوا منتفع مي شود. ولی «فرزنдан وي» به شكل غير مستقيم، بهره مند مي گردد. تشخيص بهره مندي شخصي و مستقيم يا غير مستقيم خواهان، دشوار نيست، چون اگر پس از طي فرایند رسيدگي، خواهان حاكم شود، دادگاه اينگونه انشاءي رأي مي نماید: «...حکم به محکومیت خوانده به... در حق خواهان صادر و اعلام مي شود...». پس در اين مثال خواهان هر کسی باشد، بهره مندي وي شخصي و مستقيم است زيرا در راي اسم او عنوان و اعلام مي گردد و اگر وي فرزندان و همسري داشته باشد به نحو غير مستقيم و شخصي از نتيجه اين دعوا بهره مند مي شوند يا به عبارت ساده تر آنان از نتيجه دعوا منتفع مي شوند.

ملحظه مي گردد در فرض دعاوی اختراع مطروحه مورد بحث، خواهان هاي تقابل به نحو مستقيم و شخصي بهره مند مي شوند. بنابراين استباط نامبرده، در تشخيص ذينفع صحيح نبوده، چون وي، ذينفع در دعوا را با توجه به بند 61 آين نامه اجرائي، شخصي معرفى مي نمایند که بتواند گواهينame ثبت اختراعي که قبلًا به ثبت رسانده است را، ارائه نماید، اين استباط و نظر، نه تنها، از منطق و مفهوم ماده ياد شده بر نمي آيد بلکه، از روح قانون مربوطه و آين نامه اجرائي آن نيز قابل استباط نيست، زира:

اولاً، با پذيرش استدلال (الف)، مصداقی برای اعمال ترتیبات ماده 18 همان قانون باقی نخواهد ماند. وجود اين مقرره را بيهوده مي نماید زира به موجب آن «هر ذينفع مي تواند ابطال گواهينame اختراعي را از دادگاه درخواست نماید...» و اين درخواست نيز منوط به ارائه گواهينame ثبت اختراع نشده است.

به هر حال، ظاهرآ ايشان دعواي نقض حقوق اختراع را با دعواي ناشی از اختراع، خلط كرده اند چون همانگونه که مذکور افتاد، دعواي نقض حقوق اختراع از طريق مالك يا

قائم مقام قانونی وی قابل طرح است (بند ب ماده 15 همان قانون) و الزاماً یکی از مدارک مثبت مالکیت گواهینامه یا ورقه اختراع است. اما در دعواهی ناشی از اختراع، که از ناحیه ذینفع (غیرمالک) مطرح می‌شود (ماده 18 همان قانون). ارائه مدارک مثبت مالکیت موضوعاً منتفی است. بنابراین دعواهی تقابلی که از ناحیه (ب) مطرح شده، به جهت ادعای مالکیت نبوده، تا لازم آید گواهینامه اختراع ارائه نمایند. بلکه بواسطه ادعای ذینفع بودن بوده، و برابر موارد پیش گفته، این خواسته مطابق موازین قانونی و حقوقی بوده است. ثانیاً، اینکه قانونگذار صرفاً اعلام داشته، مدارک و استناد مثبت ادعای ابطال را ارائه نماید، به این معنا نیست که یکی از این استناد و مدارک الزاماً باید گواهی نامه اختراع باشد؛ زیرا یکی از استناد و مدارک مثبت ادعای ابطال می‌تواند ارائه گواهینامه ایی از یک مرکز تحقیقاتی معتبر دال بر جدید و ابتکاری نبودن گواهینامه موصوف باشد (عدم رعایت ماده 2 همان قانون)^۱. تا خواهان به وسیله آن اختراع مورد اختلاف را از زیر چتر حمایتی قانونگذار خارج نماید. مگر اینکه اجتهاد در مقابل نص کنیم که این هم موقعیت قانونی و حقوقی نخواهد داشت.

ثالثاً، چنانچه قانونگذار به این موارد مصروف در ماده 61 آین نامه اجرایی به غیر از بند دوم آن اشاره نمی‌کردند، نقصی حادث نمی‌شد چون در بند 6 ماده 51 ق.آ.د.م² به این موضوع اشاره شده است؛ و از طرفی هم، برابر ماده 189 آین نامه اجرایی تجدید نظر از آراء محاکم و نحوه رسیدگی، تابع مقررات آین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در

۱- ماده همان قانون: «اختراعی قابل ثبت است که حاوی ابتکار جدید و دارای کاربرد صنعتی باشد. ابتکار جدید عبارت است از آنچه که در فن یا صنعت قبلی وجود نداشته و برای دارنده مهارت عادی در فن مذکور معلوم و آشکار نباشد و از نظر صنعتی، اختراعی کاربردی محسوب می‌شود که در رشته ای از صنعت قابل ساخت یا استفاده باشد. مراد از صنعت، معنای گسترده آن است و شامل مواردی نظیر صنایع دستی، کشاورزی، ماهیگیری و خدمات نیز می‌شود».

۲- بند 6 ماده 51 قانون آین دادرسی مدنی: «ذکرالده و وسائلی که خواهان برای اثبات ادعای خود دارد، از استناد و نوشتگات و اطلاع مطلعین و غیره، ادله مثبته به ترتیب و واضح نوشته می‌شود و...»

امور مدنی و کیفری است، بنابراین از بدیهیات آین دادرسی مدنی است که مدعی یا خواهان اصل یا رونوشت مصدق اسناد و مدارک اثبات ادعای خود را ارائه نماید.

رابعآ، بند 3 ماده 61 آین نامه اجرایی، موید ادعای ماست؛ زیرا مقرر داشته، چنانچه دادخواست توسط وکیل ارائه می شود، و کالتنامه نیز تسلیم شود اگر در این آین نامه اجرایی به این نکته هم اشاره نمی شد، ایرادی نبود چون موضوع تابع عمومات آین دادرسی مدنی است، لذا نمی توان استنباط کرد که این حتماً یک نوع وکالت خاص مد نظر بوده است.

4- استنباط شعب دادگاه تجدیدنظر در مقام تجدیدنظر خواهی نسبت به هر کدام از دو دادنامه مورد اعتراض، صحیح نبوده، چون این مراجع، به دلیل عدم ادعای مالکیت اختراع و عدم تسلیم اظهارنامه خواهان دعوای تقابل در پرونده کلاسه (87000047) و خواهان اصلی در پرونده کلاسه (8800104) را ذینفع نشناخته اند و بر این مبنای دادنامه های مورد اعتراض را، نقض نموده اند. در این خصوص نکات ذیل قابل توجه است:

اول: صرف نظر از اینکه، استنباط شعب دادگاه تجدیدنظر از واژه ذینفع به غیر از استنباط (الف) به وکالت از تجدیدنظر خواهان ها در پرونده کلاسه (87000047) بوده، چون نامبرده ملاک ذینفع بودن را ارائه گواهینامه اختراعی می داند که قبلاً به اسم خواهان صادر شده باشد، در حالی که شعب دادگاه تجدیدنظر اعتقاد دارند، مالک بایستی ادعای مالکیت داشته باشد، و در این رابطه اظهارنامه خود را تسلیم مرجع ثبت نماید. ظاهراً استدلال آن مراجع، به استناد ماده 60 آین نامه اجرایی بوده است. همانطوری که شرح آن گذشت، مصداق و مورد این ماده جایی است، که هنوز گواهینامه اختراع صادر نشده، بلکه در مرحله صدور است. حال آنکه موضوع ادعا و خواسته، جایی است که ورقه یا گواهینامه اختراع صادر شده است؛ بنابراین چنین استنباطی از ماده مذکور، صحیح و برابر موازین قانونی نبوده است.

به علاوه خواهان تقابل در پرونده کلاسه (87000047) و خواهان اصلی در پرونده کلاسه (8800104) ادعای مالکیت نداشته اند فقط مدعی بوده اند که گواهی نامه اختراع به لحاظ جدید نبودن قانوناً قابل ثبت نبوده و می‌باید باطل شود. از این‌رو به این دلیل نیز تکلیفی به ارائه اظهارنامه نداشته اند. چرا که با استناد به قسمت اخیر ماده ۶۰ آین نامه اجرایی اختراعی که قانوناً قابل ثبت نباشد یعنی شرایط قانونی لازم را برای ثبت نداشته باشد برای مثال اختراع جدید نباشد، کاربرد صنعتی نداشته باشد و یا روش‌های تشخیص و معالجه بیماری‌های انسان یا حیوان باشد. و ... (مواد ۲ و ۴ همان قانون) معتبرض تکلیف به تسليم اظهارنامه به منظور ثبت آن نخواهد داشت، چون اساساً این نوع اختراقات قابل ثبت نمی‌باشند.

دوم: دادگاه تجدید نظر در پرونده کلاسه (87000047) ذینفع و ذی سمت را یکی پنداشته است این در حالی است که این دو واژه بار معنایی و حقوقی متمایز از یکدیگر را دارند. و دو شرط مجزا برای اقامه دعوا محسوب می‌شوند (بندهای ۵ و ۱۰ ماده ۸۴ ق.آ.د.م). ذی سمت، همانگونه که برخی نویسنده‌گان به آن اشاره کرده اند در صورتی مطرح می‌شود که دعوایی به نمایندگی اقامه شده باشد (شمس، ۱۳۸۱، ص ۴۶۹). لذا مرجع قضایی بررسی می‌نماید، که دعوا اصلتاً اقامه شده، یا به نمایندگی اعم از نمایندگی قانونی مانند ولی قهری، نمایندگی قضایی مانند قیم و یا قراردادی مانند وکیل دادگستری. طبیعی است مرجع قضایی در بدو امر، باید شرط ذی سمت بودن را بررسی نماید و در صورت احراز، آنگاه به شرط دیگر پرداخته می‌شود که آیا شخص اصیل ذینفع در دعوای است یا خیر؟

بنابراین احراز ذینفع بودن از شرایط و اوصاف شخص اصیل است؛ نه نماینده، چون نماینده؛ به نیابت دعوایی را مطرح می‌نماید. لذا احراز ذینفعی بودن در مورد شخص ایشان موجبی ندارد، ولی سمت‌ش باشد احراز شود، به این دلیل تصور بعضی از نویسنده‌گان (مهاجری، ۱۳۸۸، ص ۳۷۲) مبنی بر یکی بودن ذی سمت و ذینفع بودن در فرضی که شخص بالاصله اقامه دعوا می‌کند هم، قابل انتقاد است.

سوم: در پرونده کلاسه (87000047) ملاحظه می‌گردد، دادگاه بدوى به دعاوی اصلی و متقابل رسیدگی نموده است، به این توضیح که دعواه اصلی را محکوم به بطلان اعلام کرده و در خصوص دعواه متقابل حکم به ابطال ثبت اختراع خواهان اصلی صادر و اعلام نموده است این در حالی است که دادگاه تجدید نظر صرفاً حکم راجع به دعواه متقابل را نقض نموده و سایر مفاد رای تجدید نظر خواسته را، با رد اعتراض تجدید نظر خواهان، تایید نموده است.

با توجه به قواعد و موازین حقوقی، این گونه انشاء رای نمودن محل ایراد و اشکال جدی است، زیرا: دادگاه بدوى به لحاظ پذیرش ادعاه خواهان تقابل مبنی بر ابطال گواهینامه اختراع (مورد استناد خواهان اصلی) دعواه اصلی را محکوم به بطلان اعلام نموده است، آنگاه که دادگاه تجدید نظر دعواه تقابل را مردود اعلام کرده است نتیجه منطقی آن این است که تنها دلیل رد دعواه اصلی بر طرف شده است (اذا زال المانع عاد الممنوع) لذا بایستی در مورد آن رسیدگی ماهوی به عمل می‌آوردن¹، نه اینکه سایر موارد اعتراضی تجدید نظرخواهان را رد نمایند و خود را از رسیدگی فارغ بداند و بدین وسیله بر حکم بطلان دعواه اصلی صحه بگذارند. فی الواقع هر چند خواهان دعواه متقابل، به نوعی به هدف خود که اعلام بی حقی خواهان دعواه اصلی بوده، نایل شده، لیکن تکلیف دادگاه بدوى و خواهان دعواه اصلی مشخص نشده است.

نتیجه گیری

۱- تشخیص ذی نفع در دعاوی ناشی از اختراع، همچنان که مورد تصدیق بعضی نویسنده‌گان هم قرار گرفته، دشوار است (میرحسینی، همان، ص 308) و این نشان از آن دارد که قانون تا حدودی در این قسمت نارساست.

۱- ماده 358 ق.آ.د.م: «چنانچه دادگاه تجدید نظر ادعاه تجدیدنظرخواه را موجه تشخیص دهد، رأى دادگاه بدوى را نقض و رأى مقتضى صادر می‌نماید. در غیر این صورت بارد درخواست و تأیید رأى، پرونده را به دادگاه بدوى اعاده خواهد کرد».

۲- استباط دادگاه بدوى در تشخيص ذينفع، چنانچه منظور دادگاه تغيير در وضعیت مالی خواهان به شکل شخصی و مستقیم بوده باشد، صحيح و وفق موازين قانونی و حقوقی بوده است، هرچند دادگاه بدوى پس از اظهارنظر دادگاه تجدیدنظر، در انشاء رأی دیگری، راجع به تشخيص ذينفع که در مقام رسیدگی واخواهی بوده، استدلال دادگاه تجدیدنظر را پذيرفته و حتى ذينفع بودن را با ذى سمت بودن به يك مفهوم دانسته است که احتمال دارد يا دادگاه بدوى استدلال و نظر دادگاه تجدیدنظر را پذيرفته و از نظر خود عدول كرده است، يا به لحاظ جلوگیری از نقض آرای خود بوده است؛ به هر حال اين راي و نظر در تشخيص ذينفع، بنابر مطالب پيش گفته نيز مورد ايراد و خدشه است.^۱

۳- با توجه به اينکه شعب رسیدگی کننده به دعاوی مالکيت صنعتی دادگاه تجدید نظر استان تهران محدود و محدود هستند نظر دو شعبه اي که اغلب تجدید نظر از آراء موضوع حقوق مالکيت صنعتی در آنجا رسیدگي می شود، در موضوع واحد يکسان و برخلاف نظر تنها شعبه دادگاه بدوى رسیدگی کننده به دعاوی حقوق مالکيت صنعتی است، و به باور ما نظر دادگاه بدوى مبني بر اينکه «نتيجه دعوي ابطال ورقه اختراع، تغييري در وضعیت مالی خواهان ايجادمي نماید». همانگونه که شرح آن گذشت برابر موازين قانونی و حقوقی است.

۴- اغلب در دعاوی ناشی از حقوق اختراع که از جانب مالک و دارنده آن مطرح می شود خوانده اي که خود را ذينفع می داند دعواي متقابل مبني بر ابطال گواهينame مطرح

۱- رأى دادگاه: «...دادگاه با توجه به محتويات پرونده و اظهارات و مدافعت و کلام اصحاب دعواي نظر به اينکه اختراع راجع به لوحة خرومی آکاردنونی قابل انعطاف و شکل پذير طی شعاره....مورخ ۸۱/۵/۱۳ به نام.....ثبت شده است که مطابق ماده ۳ قانون ثبت اختراعات طرح های صنعتی و علامت تجاري واجد حق استفاده انصصاری است و ادعای خواهان ها مبني بر اينکه محصول موضوع اختراع خوانده قبل از ثبت وی در خارج از کشور تولید و نامبرد گان وارد کننده بوده اند، بنابراین اختراع جديدينست تا قابل ثبت باشد و با استناد به مواد ۱۸ و ۴۰ قانون مذكور تقاضاي ابطال آن را نموده اند قبل پذيرش نبوده و قابل رد است زيرا نامبرد گان ادعای مالکيت آن را ندارند و توليد کننده محصول موضوع ورقه اختراع نمى باشند و توليد محصول در کشورهای دیگر نيز موجب ذى سمت شدن نامبرد گان نخواهد شد، بنابراین به لحاظ ذينفع نبودن در طرح دعواي ابطال با توجه به ماده ۱۸ قانون مالزال ذكر که دعواي ابطال اختراع را از سوی ذينفع قابل پذيرش دانسته، مستندا به بند ۱. ماده ۸۴ و ۸۹ از قانون آئين دادرسي مدنی قرار دد دعواي در پرونده های كلامه....و... صادر و اعلام مى گردد....»

می نماید، یعنی می خواهد با این اقدام، نه تنها بی حقی خواهان را به اثبات برساند بلکه مالکیت خود را بر گواهینامه اختراع نیز به اثبات برساند و معمولاً خوانده دعوای تقابل، به لحاظ عدم ارائه گواهینامه ثبت اختراع، ایراد عدم ذینفع بودن خواهان دعوای تقابل را مطرح می نمایند، ناگفته پیداست چنانچه خوانده دعوای اصلی به جای طرح دعوای تقابل، پاسخ دعوا را در قالب دفاع ماهوی مطرح می نمودند و برای مثال بیان می کردند که خواهان حقی نسبت گواهینامه اختراع استنادی ندارد و از دادگاه تقاضای حکم بر بی حقی خواهان می کردند قطعاً دادگاه نمی توانست این خواسته و تقاضا را اجابت نماید زیرا گواهینامه ثبت اختراع یک سند رسمی است (ماده 1288 قانون مدنی)، و مدامی که این سند باطل نشده است مراجع قضایی مکلفند به آن اعتبار دهنند و قضاتی که از اعتبار دادن به استناد ثبت شده استنکاف نمایند در دادگاه انتظامی تعقیب می شوند (ماده 73 قانون ثبت استناد و املاک کشور مصوب 1310)، در نتیجه خوانده دعوای اصلی، ناگزیر است که به موجب دادخواستی و طی فرایند دادرسی گواهینامه اختراع را باطل نماید. درست است که معمولاً خواسته ابطال به موجب دادخواست تقابل مطرح می شود بدیهی است این امر مانع از آن نیست چنانچه شخص ذینفعی متوجه شود اختراعی که متعلق به اوست، دیگری من غیر حق به اسم خود ثبت، و الان در حال بهره برداری از آن است نتواند به موجب دعوای اصلی تقاضای ابطال آن گواهینامه اختراع نماید. مشاهده شد که پرونده کلاسه (8800104) براین اساس تشکیل شده بود.

5- و به طور کلی می توان گفت: همیشه این گونه نیست که قانون خوب، ما را به اجرای عدالت نزدیکتر می کند، بلکه استنباط صحیح از قانون بخش عظیمی از این رسالت را عهده دار است، قانون هرچه قدر خوب باشد ولی چنانچه به طور دقیق بکار نرود نتیجه‌ی در بر نخواهد داشت.

پیشنهاد:

باتوجه به اینکه در تشخیص ذینفع در رویه قضایی اختلاف نظر وجود دارد قانونگذار در بازنگری یا اصلاح قانون تعریفی از ذینفع ارائه نماید، یا اینکه مراجع و مسئولین مربوطه در آین نامه اجرایی یا تعریفی از ذینفع بودن یا مصادیقی از آن را ارائه نمایند که این کار هم مسیو ب ساقه بوده است (بنده ماده ۱۶ آئین نامه موضوع ماده ۱۶ قانون حمایت از نشانه‌های جغرافیای مصوب سال ۸۳).

فهرست منابع**الف - منابع فارسی**

- ۱- امیری، حسن علی، (۱۳۸۸)، **اجرای حقوق مالکیت صنعتی در مقررات سازمان جهانی تجارت و حقوق ایران**، چاپ اول، تهران، انتشارات بنیاد حقوقی میزان.
- ۲- امانی، تقی، (۱۳۸۷)، **قوانين و مقررات حقوق مالکیت فکری (ملی و بین المللی)**، چاپ دوم، تهران، انتشارات بهنامی.
- ۳- بازگیر، یدالله، (۱۳۷۷)، **آراء دیوان عالی کشور در امور حقوقی**، جلد اول، چاپ اول، تهران، انتشارات ققنوس.
- ۴- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۸۰)، **ترمینولوژی حقوق**، چاپ یازدهم، تهران، انتشارات گنج دانش.
- ۵- جوهری، مهدی، (۱۳۹۰)، **مقایسه دعوای رفع تصرف عدوانی با خلع ید**، چاپ چهارم، تهران، انتشارات فکرسازان.
- ۶- حبیبا، سعید؛ شاکری، زهرا، (۱۳۸۹)، **تدابیر مرزی در حمایت از حقوق مالکیت فکری**، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۵۷، صص ۸۷ و ۱۱۳.
- ۷- رئیسی، لیلا، (۱۳۸۸)، **نظام حل و فصل اختلافات حقوق مالکیت فکری**، چاپ اول، تهران، انتشارات جنگل.
- ۸- سیاح، احمد، (۱۳۷۵)، **فرهنگ بزرگ جامع نوین ترجمه المنجد**، چاپ هجدهم، تهران، انتشارات اسلام.

- 9- شمس، عبدالله، (1381)، آیین دادرسی مدنی، جلد اول، چاپ دوم، تهران، انتشارات نشر میزان.
- 10- شمس، عبدالله، (78-79)، جزو ه آیین دادرسی مدنی تطبیقی، دوره دکتری حقوق خصوصی دانشگاه شهید بهشتی.
- 11- عیید، حسن، (1374)، فرهنگ عمید، چاپ پنجم، تهران، نشر موسسه انتشارات امیر کبیر.
- 12- فرحدزادی، علی اکبر، (1379)، معرفی اجمالی اصول بنیادین در دادرسی اسلامی، فصلنامه دیدگاههای حقوقی، شماره های 19 و 20، ص 37.
- 13- کاتوزیان، ناصر، (1388)، مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، چاپ هفتاد و یکم، تهران، انتشارات شرکت سهامی انتشار.
- 14- میرحسینی، سید حسن، (1385)، مقدمه ای بر حقوق مالکیت معنوی، چاپ دوم، تهران، انتشارات نشر میزان.
- 15- میرحسینی، سید حسن، (1387)، حقوق اختراعات، چاپ اول، تهران، انتشارات بنیاد حقوقی میزان.
- 16- مهاجری، علی، (1388)، مبسوط در آیین دادرسی مدنی، جلد اول، چاپ دوم، تهران، انتشارات فکر سازان.
- 17- مهاجری، علی، (1390)، قانون آیین دادرسی مدنی در نظم حقوقی کنونی، چاپ اول، تهران، انتشارات فکر سازان.
- 18- متین دفتری، احمد، (1388)، آیین دادرسی مدنی و بازدگانی، جلد اول، چاپ سوم، تهران، انتشارات مجد.
- 19- محقق داماد، سید مصطفی، (1383)، قواعد فقه بخش قضایی، چاپ سوم، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی.
- 20- مدنی، سید جلال الدین، (1382)، آیین دادرسی مدنی، جلد اول، چاپ اول، تهران، انتشارات پایدار.
- 21- معین، محمد، (1387)، فرهنگ فارسی معین یک جلدی، چاپ اول، تهران، انتشارات فرهنگی نما با همکاری انتشارات کتاب آراد.

- 22- نوکنده ای، عزیز، (1380)، **تفسیر قضایی آینین دادرسی مدنی ایران**، چاپ اول، تهران، انتشارات دانش نگار.
- 23- واحدی، قدرت الله، (1379)، **بایسته های آینین دادرسی مدنی**، چاپ اول، تهران، انتشارات نشر میزان.

ب- منابع لاتین

- 1- Agreement on Trade-Related Aspects of Intellectual Property Rights (TRIPs Agreement 1994).
- 2- Brown, (1989) w.j., **GCSE LAW**, Forth Edition, London, Sweet and Maxwell.
- 3- Corrin Care, Jennifer, (2004), **civil procedure and courts in the South Pacific**, First published in Great Britain.
- 4- Heath,Christopher and Kamperman sanders, Anselm, (2005), **Studies in Industrial property and Copyright Law**, Hart Publishing Oxford and Portland,Oregon.
- 5- Kodilinye, Gilbert and Kodilinye, Vanessa, (2009), **COMMONWEALTH CARIBBEAN CIVIL PROCEDURE**, Third edition first published in, by Routledge-Cavendish.
- 6- Loughlin, Paula and Gerlis, Stephen, (2004), **CIVIL PROCEDURE**, Second edition first published in Great Britain.
- 7- Seville, Catherine, **EU Intellectual Property Law and Policy**, Published by Edward Elgar Publishing Limited, 2009.